

کد خبر: ۷۳۶۹ تاریخ انتشار: ۰۴ بهمن ۱۳۹۶ - ۱۷:۲۳ - January 24 2018

در نشست ولایت فقیه قلمرو و مستندات مطرح شد؛

بررسی دو نظریه انتخابی و انتصابی بودن ولایت فقیه | گستره و مستندات ولایت فقیه

وسائل _ با ارائه حجت الاسلام حائری، قلمرو و مستندات ولایت فقیه و دو نظریه انتخابی و انتصابی بودن ولایت فقیه در دانشکده الهیات فردوسی مشهد بررسی شد.

به گزارش خبرنگار سرویس مبانی پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل، نشست ولایت فقیه قلمرو و مستندات در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد با سخنرانی محمد حسن حائری، عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد.

در این کارگاه سه محور قلمرو ولایت فقیه (گستره ولایت فقه و روشن شدن ماهیت آن) و مستندات ولایت فقیه (ادله فقهایی که ولایت فقیه را مطرح کردند) و گزینش ولی فقیه (نحوه انتخاب یا انتساب) مورد بررسی قرار گرفت که گزارش تفصیلی نشست تقدیم خوانندگان می شود.

وی گفت: نکته ای که بعضی ها را به اصطلاح دچار ابهام و ایهام کرده این عنوان مطلقه ولایت فقیه است. بعضی ها مطرح می کنند که یک فقیه واجد شرایط باشد و او بر جان و ناموس مردم ولایت دارد. وظیفه طلاق دادن، تزویج کردن، تصرف در اموال مردم همه به عهده اوست. حتی بعضی از فقها هم در طول تاریخ، چنین برداشتی داشته اند.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: اگر بخواهیم ولایت مطلقه فقیه را در یک عبارت عرض کنیم یعنی حکومت اسلامی که تحت زعامت و ریاست یک فقیه جامع شرایط قرار دارد و این رئیس دولت و حکومت تمام اختیارات حکومتی پیامبر و امام معصوم(ع) را دارد.

حجت الاسلام حائری افزود: ولایت مطلقه فقیه یعنی فقیه در زمان غیبت امام عصر(عج) برای اجرای قوانین اسلام با ویژگی ها و شرایطی که دارد و با کمک ایادیش نه به طور شخصی یک حکومت تاسیس کند؛ از این رو در زمان حضور امام معصوم(ع)، خود امام و در زمان غیبت امام، ولی فقیه در رأس این حکومت اسلامی قرار دارد.

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی خاظر نشان کرد: و چنین برداشتی نشود که ولی فقیه در تراز امام معصوم(ع) قرار می گیرد، بحث امتیاز نیست، بحث مسئولیت است.

ولایت کبرای تکوینی مخصوص امام معصوم(ع)

وی افزود: حضرت امام خمینی(رضوان الله تعالی) و دیگران برای پاسخ به این سوال نکته ای را مطرح کرده و فرمودند: امام معصوم(ع) دو خلافت دارد؛ خلافت کبرای تکوینی، که مقام عالییه ای است که به وسیله آن تصرف و معجزه می کند و ابن مقام مخصوص امام معصوم(ع) است و افراد دیگر به گرد آن هم نمی رسند، قطره ای از آن اقیانوس هم نمی شوند.

حجت الاسلام حائری تصریح کرد: آن ولایت قابل غصب هم نیست. به طوری که امام علی(ع) در خطبه شقشقیه می فرمایند اگر مردم نبودند و اگر مسئولیت نبود، من این خلافت را رها می کردم.

وی گفت: اما ولایتی هم داریم که ولایت تشریحی-قراردادی است، یعنی همان حکومت، که این امتیاز نیست. این همان است که امام علی(علیه السلام) می فرمایند از نگاه من ارزش این حکومت، این خلافت، این ولایت به اندازه یک جفت کفش کهنه نیم درهمی هم نیست. آیا امام آن ولایت کبرا را می گوید؟ قطعاً خیر. این نوع ولایت در صورتی با ارزش است که ابزاری باشد تا بتوانم به وسیله آن احقاق حقی بکنم، آن وقت است که ارزش پیدا می کند.

این استاد دانشگاه فردوسی مشهد افزود: حضرت علی(ع) به سؤال ابن عباس از ارزش کفشی که آن را وصله می کرد، فرمود: «هِيَ وَاللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ أَوْ أَمْرَتِكُمْ هَذِهِ الْأَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعُ بَاطِلًا؛ به خدا قسم، این کفش از دنیا یا حکومت بر شما نزد من محبوب تر است، مگر اینکه به وسیله آن حقی را برپا دارم یا باطلی را از میان ببرم.»

این استاد دانشگاه اظهار کرد: این مسئولیت رئیس دولت می خواهد، صاحب دیوان می خواهد، باید تاسیس قوا بشود؛ از این رو رئیس قوه قضائیه، رئیس نیروهای مصلح، استاندار، زمامدار، کارگزار و... می خواهد. نه تنها در حکومت اسلامی، در همه حکومت های عرفی و عقلایی عالم این ها لازم است.

تمام اختیارات حکومتی باید در دست ولی فقیه باشد

حجت الاسلام حائری افزود: معنا ندارد که حکومت اسلامی را بپذیریم و در عین حال به ولی فقیه بگوییم فقط بخشی از اختیارات پیامبر را داشته باش. امام خمینی(ره) و بزرگان فرموده اند این معقول نیست که بخشی از

اختیارات را داشته باشد. باید همه اختیارات را داشته باشد. مگر در موارد استثنایی مثل جهاد دعوت یا جهاد ابتدایی که فقها و بزرگان اعلام و تصریح کرده اند خاص امام معصوم (ع) است.

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی گفت: نمی توانیم بگوییم مثلاً پیامبر اکرم (ص) حق دارد استاندار تعیین کند، ولی امیرالمومنین (ع) چون مقامش پایین تر است، ممکن است فرماندار تعیین کند، ولی فقیه چون مقامش پایین تر است، ممکن است بخشدار تعیین کند.

تشکیل حکومت یک امتیاز قراردادی است

وی با اشاره به این که تشکیل حکومت یک امتیاز قراردادی است و تکوینی نیست؛ بنابراین اگر قرار است حکومتی باشد، باید مطلقه باشد، خاطرنشان کرد: مطلقه به معنای ولایت بر جان و مال و نوامیس و... نیست. مطلقه یعنی همه، شامل و فراگیر، یعنی تمام اختیارات حکومتی و این یک امتیاز نیست که ائمه برایش سر و دست بشکنند، ائمه معصومین (ع) اگر حکومت نداشته باشند، برای شخص خودشان رفاه و آسایش بیشتری خواهند داشت.

وی گفت: معلی بن خنیس از یاران مخلص امام صادق (ع) به ایشان می گوید ای کاش حکومت دست ما بود تا ما هم از این سفره به نوایی می رسیدیم و استفاده ای می کردیم.

حجت الاسلام حائری افزود: معلی بن خنیس گوید: روزی به امام صادق (ع) گفتم: «فِدَاكَ ذَكَرْتُ آلَ فُلَانٍ وَ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ النَّعِيمِ فَقُلْتُ لَوْ كَانَ هَذَا إِلَيْكُمْ لَعِشْنَا مَعَكُمْ فَقَالَ هِيَهَاتَ يَا مُعَلَّى أَمَا وَاللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ ذَاكَ مَا كَانَ إِلَّا سِيَاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ لُبْسَ الْخَشَنِ وَ أَكْلَ الْجَشْبِ فَرَوَى ذَلِكَ عَنَّا فَهَلْ رَأَيْتَ ظَلَامَةً قَطُّ صَيَّرَهَا اللَّهُ تَعَالَى نِعْمَةً إِلَّا هَذِهِ؛ امام صادق علیه السلام: معلی بن خنیس گوید: روزی به امام صادق گفتم: فدایت شوم! به یاد خاندان فلان و نعمتی که در آن غوطه ورنند افتادم و با خود گفتم که اگر چنین نعمتی از آن شما می بود ما هم از آن برخوردار می شدیم، گفت: هیهات ای معلی! به خدا سوگند که اگر چنین می بود (و نعمت و حکومت در دست ما بود)، برای ما جز نگهبانی شبانه و تلاش روزانه و پوشیدن جامه زبر و خوردن خوراک خشن چیزی نبود. این امر از ما کنار شد و هرگز دیدی که بردن حقی را خدا تعالی نعمت سازد جز این.»

این استاد دانشگاه اظهار کرد: در یک کلمه برداشت بنده از ولایت مطلقه یعنی همه اختیارات حکومتی و به معنای ولایت بر نوامیس، جان، مال، طلاق، تزویج و امثال آنها نیست. اگر این موارد هم اتفاق می افتد، در همه نظام های عرفی اتفاق می افتد.

وی به بررسی مستندات ولایت مطلقه پرداخت و گفت: کسانی مثل مرحوم امام خمینی(ره)، مرحوم آیت الله بروجردی و بزرگان دیگر، دلیل را طوری مطرح کرده اند که توپ در زمین منکران ولایت فقیه بیافتد. آن‌ها می‌گویند اسلام و شریعت اسلامی اختصاص به زمان خاصی ندارد، نمی‌توانیم بگوییم در زمان غیبت احکام تعطیل می‌شود. اگر کسی می‌گوید تعطیل می‌شود، او باید دلیل بیاورد.

حجت الاسلام حائری افزود: احکام متعلق به همه افراد، همه مکان‌ها و همه زمان‌هاست. بسیاری از احکام، احکامی هستند که از همان قرن‌های سوم و چهارم در تمام کتب فقهی آمده‌اند.

اجرای بسیاری احکام بدون تاسیس حکومت ممکن نیست

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی با خاطرنشان کردن اینکه احکام فراوانی هست که اجرای آن‌ها وظیفه سلطان و حاکم است و این احکام بدون تاسیس حکومت امکان اجرا ندارند، افزود: حتی در برخی از عبادات مثل حج، جهاد، دفاع، (غیر از جهاد دعوت و جهاد ابتدایی که اصل بحث آن جداست و غالب فقها آن را منوط به اذن امام می‌دانند)، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی مراحلش، اجرای حدود و دیات، قضاوت، اداره امور مالی، آیت الله بروجردی می‌فرمایند این‌ها حتی اگر بصورت جداگانه، بدون حکومت قابلیت اجرا داشته باشد، وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، بدون تشکیل حکومت نمی‌شود.

وی گفت: و ائمه هم می‌دانستند حتی مرحوم آیت الله بروجردی می‌فرمایند ما قطع داریم شاگردان ائمه از ایشان در این باره سوال می‌کردند ولی حالا جز روایت مقبوله عمر بن حنظله باقی نمانده است؛ بنابراین حضرت امام خمینی(ره) و بسیاری از بزرگان دیگر نظرشان این است که این احکام شرایطشان به گونه‌ای است که بدون تاسیس و تشکیل یک حکومت اسلامی قابل اجرا نیستند.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: به عبارتی دیگر به همه ما و امام معصوم و فقها(در زمان غیبت) واجب است که این احکام را هم اجرا کنند، و اجرای آن مقدماتی می‌خواهد. وقتی امری واجب شد، باید مقدماتش هم فراهم شود، وقتی گفته شده نماز بخوانید باید وضو هم باشد.

حجت الاسلام حائری افزود: تمام کسانی که حکومت اسلامی را پذیرفتند، حتی کسانی مثل خود مرحوم شیخ انصاری و بزرگانی که می‌گویند در آن روایات آمده «العلماء ورثه الانبیاء» کلمه «فقها» نیامده، گفته‌اند حکومت اسلامی اگر ثابت شود، برای فقیه ثابت می‌شود. برای غیر فقیه کسی نگفته است.

پاسخ به نظریه ثابت نبودن ولایت برای فقیه

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی با اشاره به این که مرحوم آیت الله بروجردی در اینجا یک قیاس استثنایی دارند، افزود: ایشان می‌فرمایند: حکومت اسلامی و زعامت و ولایت یا ثابت نیست یا اگر ثابت است فقط برای فقیه ثابت است. ثابت نبودن که مردود است بخاطر ادله ای که بیان شد -از جمله این- که اجرای بسیاری از احکام اسلامی بدون تاسیس حکومت و نظام ممکن نیست- وقتی مقدم باطل شد، تالی یعنی اختصاص زعامت به فقیه، ثابت می‌شود.

وی گفت: امام خمینی(ره) و دیگران استدلالی را مطرح کردند و توپ را در زمین منکران ولایت فقیه انداختند و فرمودند شما که معتقدید ثابت نیست، باید یکی از این‌ها را منکر شوید، یا بگویید اسلام دارای احکام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی نیست. -که این مورد را نمی‌توان گفت- یا باید بگویید این احکام در یک دوره ای تعطیل است.

این استاد دانشگاه افزود: حتی اگر شیخ انصاری بفرماید ما در زمان غیبت از بسیاری از فیوضات از جمله این احکام محرومیم، باید برای این حرف دلیل بیاورد. در این موارد طرفداران ولایت فقیه نیازی نیست دلیل بیاورند؛ بلکه کسی که نفی می‌کند، باید اثبات کند که در زمان غیبت بسیاری از حدود، دفاع، مالیات‌ها، زندان و همه وظایفی که در کتب فقهی گذشته تا حال به عهده سلطان، حاکم یا امام گذاشته شده، تعطیل است.

حجت الاسلام حائری افزود: بسیاری از بزرگان فرموده اند بحث ولایت فقیه مستقیماً مطرح نشده چون زمینه اش نبوده است. چون بزرگان شیعه همیشه در زندان و تبعید و... بوده اند، بر خلاف بزرگان اهل سنت که همیشه دارای خلافت و حکومت بودند و فقهای آن‌ها یا در حکومت‌ها در دربار بودند یا حامی بودند یا حداقل کسی به آن‌ها کاری نداشته است؛ اما علمای شیعه این طور نبودند. همیشه گرفتار مشکلات و در حال تقیه کردن و... بودند.

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی گفت: مثلاً در اوایل دهه هفتاد در بوسنی در یک روز هشت هزار یا نه هزار یا ده هزار نفر را قتل عام کردند. وقتی از آقای علی عزت بگوویچ سوال شد چه نظامی را می‌خواهید، گفت اصلاً بحث نظام نیست، من الان هدفم دو چیز است؛ یک نجات جان این مردم؛ دو رساندن آذوقه به آن‌ها تا از گرسنگی نمیرند. یعنی شرایطی که بر فقهای شیعه در طول تاریخ گذشته، معمولاً این‌طوری بوده است و لذا هر جایی فرصت پیدا کردند در این باره بحث کردند.

این استاد فقه دانشگاه اظهار کرد: اینکه به طور مستقل مساله مطرح نشده است، به خاطر فراهم نبودن شرایط

است. حتی مرحوم امام و شیخ انصاری هم آن را در بحث بیع مطرح کرده اند. با این که حضرت امام خمینی (ره) خیلی امیدوار بودند و شرایط تقریباً فراهم بود، ولی در عین حال در آن زمان هنوز خیلی امیدی نبود. دلیل اینکه خیلی از فقها به طور صریح نفرمودند، همین است و الا مرحوم نراقی ادعای اجماع می کند.

حجت الاسلام حائری افزود: ایشان حکومت اسلامی را تقریباً به همین معنایی که مرحوم حضرت امام خمینی (ره) مطرح کرده، مطرح می کند و می فرماید ما بر این مساله اجماع داریم. حتی به نظر بنده شیخ انصاری رد نکرده و می گوید ثابت نیست. حتی اشاراتی هم می کند و بعد مسائل حدود و دیات و قصاص و... را مطرح می کند و می فرماید بسیاری از اینها برای اجرا احتیاج به حکومت دارد.

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی گفت: بنابر این آنچه شیخ انصاری رد کرده، آن چیزی نیست که مرحوم امام خمینی (ره)، مرحوم منتظری، مرحوم بروجردی و دیگران اثبات کرده اند. آنچه اثبات کردند بحث ضرورت اجرای احکام اسلامی است، که می فرمایند در این ضرورت تردیدی نیست و در اینکه اجرای این احکام نیاز به تاسیس یک نظام دارد، تردیدی نیست. خطاب متوجه هم مسلمین و هم فقها است و باید دست به دست هم بدهند که یا به صورت واجب عینی یا به صورت واجب کفایی - بستگی به شرایط زمان دارد - در هر صورت به عنوان یک واجب و یک وظیفه، آن را تشکیل بدهند.

وی گفت: درباره روایاتی مثل روایت عمر بن حنظله که بعضی اشکال کرده اند که در آن کلمه «حاکماً» آمده، مرحوم آیت الله بروجردی می فرمایند در آنجا «حاکماً» به همان معنای زعیم است، ولی در عین حال اگر کسی آن روایت را هم نپذیرد، روایات دیگر در این زمینه بسیار زیاد است و بسیاری از بزرگان مطرح کرده اند؛ که حتی اگر سندشان هم بعضاً ضعیف باشد، کثرت روایات از یک سو و عمل اصحاب از سوی دیگر ضعف سند را جبران می کند.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: چون اگر چه ممکن است در دلالت آنها اختلاف نظرهایی باشد، یکی از آن ولایت مطلقه برداشت کند، یکی قضاوت، ولی همه به آنها عمل کرده اند. اگر به عنوان دلیل هم قبول نداشته باشند، حداقل به عنوان مؤید است. دلیل اصلی که بزرگان معاصر روی آن تاکید کرده و می کنند و ولایت فقیه را به عنوان زعامت و اداره امور و حکومت مطلقه مطرح کردند، ضرورت اجرای احکام اسلامی در همه زمان ها از جمله زمان غیبت است و این اجرا بدون تاسیس یک نظام ممکن نیست.

حجت الاسلام حائری افزود: و در مکاسب شیخ انصاری و مصباح الفقاهه مرحوم آیت الله خوئی اصلاً صحبتی از این نشده که رد یا اثبات کرده باشند. آنها روایات را مطرح و دلالت آنها را نقد کرده اند. بزرگان دیگر هم

فرموده اند حتی اگر این روایات دلالت هم نکنند، می‌توانند به عنوان موید و شاهد باشند.

گزینش ولایت فقیه؛ انتصاب یا انتخاب

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی در انتهای نشست به محور سوم گزینش ولایت فقیه اشاره کرد و گفت: در این مورد دو دیدگاه مطرح است؛ دیدگاه انتصاب و دیدگاه انتخاب.

وی گفت: توضیح اینکه این دو نظر بین کسانی مطرح است که ضرورت حکومت اسلامی و ولایت فقیه در زمان غیبت را پذیرفته اند و قبول دارند که باید فقیه این زعامت را به عهده بگیرد.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: آیت الله منتظری در کتاب ولایت فقیه شان گفت اصلاً برای مردم جایز نیست از ولی فقیه عدول کنند. همان طور که آیت الله بروجردی فرمودند جایز نیست یعنی واجب است که فقیه را انتخاب کنند. پس انتخابی‌ها و انتصابی‌ها هر دو نظرشان این است که باید فقیه باشد. آیا انتصابی می‌گوید ولی فقیه را نصب کردند؟ کسی این را نمی‌گوید. اگر هم بگویند نصب می‌شود، عنوان نصب عام دارد.

حجت الاسلام حائری افزود: یعنی این بزرگواران این شایستگی را دارند و دیگران حق ندارند به میدان بیایند. مردم هم حق ندارند دیگری را انتخاب کنند. باید یک فقیه عادل، مدیر، مدبر، با کفایت و با تدبیر باشد. شخصش به تنهایی هم لازم نیست اداره کند، می‌تواند با درایت و سیاستش از افراد استفاده کند.

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی گفت: کسانی که انتصابی هستند می‌گویند از فقیه واجد شرایط نمی‌شود عدول کرد. انتخابی‌ها هم همین را می‌گویند. اگر یک نفر باشد که همان یک نفر است؛ اگر بیشتر از یک نفر باشد باید روی یک نفر توافق شود و یک نفر گزینش شود.

وی گفت: تاسیس یک حکومت از نظر عرف و عقلاً، بدون مردم نمی‌شود. چه امام معصوم(ع) در راس حکومت باشد، چه ولی فقیه و چه حکومت شاهنشاهی باشد. حتی حکومت‌های استبدادی هم بدون مردم نمی‌توانستند؛ چرا که حکومت بدون مردم نمی‌شود و کار عبث است. در هر صورت با هر دیدگاه، مسأله تکلیف شرعی مطرح است.

این استاد فقه دانشگاه اظهار کرد: در مورد حضرت امام خمینی(ره)، مردم نه رای مستقیم دادند نه خبرگان بود. ولی محرز شد، جا افتاد که مردم در صحنه هستند. چون بدون مردم نمی‌شود؛ بنابر این اینجاست که به مشروعیت اولیه و مشروعیت ثانویه تقسیم شده است.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: امام معصوم(ع) مشروعیت اولیه دارد چون معصوم و منصوب است. فقیه هم چون

فقیه است، عادل است، از جانب بزرگان به او اختیار داده شده که حکومت تاسیس کند؛ بعضی‌ها ابا دارند اسم آن را مشروعیت ثانویه بگذارند، گفتند مقبولیت. یا بعضی بزرگان گفته اند فعلیت. برای فعلیت پیدا کردن حکومتش احتیاج به حضور مردم دارد.

حجت الاسلام حائری افزود: خود علی بن ابی طالب در حوزه حکومت نیاز به حضور مردم دارد. در خطبه ششقیه می فرمایند: حالا که مردم هستند من هم می آیم؛ یعنی 25 سالی که نبودم مردم نبودند!

عضو هیئت علمی گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی گفت: با توجه به محور سوم ما چه انتخابی باشیم چه انتصابی بنا بر فرضی که حکومت ولی فقیه در زمان غیبت را پذیرفتیم. تمام کسانی که پذیرفتند و حتی کسانی مثل شیخ انصاری و بزرگان دیگر که این را نپذیرفته اند و اشکال دارند، قبول دارند که اگر ولایت فقیه دلیل داشت، کسی که باید این زعامت را قبول می کرد فقیه است. و از فقیه -با شرایط خاص خودش- نباید عدول کرد و مساله و وجوب تکلیفی هم از همین جاست.

وی گفت: از مردم هم نباید عدول کرد، چون چنین چیزی اصلا ممکن نیست. چون واضح است و بزرگان هم فرموده‌اند که دموکراسی و مردم سالاری ای که ما در این جا مطرح می‌کنیم با آن چه در غرب مطرح است، متفاوت است. در غرب عدالت، فقاقت و مانند آن و اجرای احکام اسلامی مطرح نیست، ولی در یک چیز مشترک هستند که آن رای مردم است. مثلا همین قانون اساسی که اشکالاتی به آن مطرح می‌کنند نیز حداقل سه بار به رای مردم گذاشته شده است.

این استاد فقه دانشگاه اظهار کرد: کسانی هستند که اصل حکومت اسلامی حتی حکومت اسلامی پیامبر اکرم(ص) را زیر سوال بردند. در میان فقهای گذشته نداریم اما در میان نواندیشان معاصر ممکن است چنین نظری داشته باشیم که بگویند خلافت تشریحی و حکومت اصلا جزء بافت اسلام و جزء مناسب های پیغمبر(ص) و امام(ع) نیست.

وی افزود: آنها معتقدند که اگر پیامبر اکرم(ص) هم حکومت تشکیل دادند از این باب نبوده که این مساله جزء بافت اسلام و برای اجرای احکام اسلامی بوده؛ بلکه این یک مساله عرفی و عقلایی بوده و مردم هم چون دیدند پیغمبر آدم بدی نیست، گفته اند شما حاکم باش، مردم از ایشان اطاعت و پیروی کرده اند و ایشان هم حکومت تشکیل داده اند. ممکن هم بوده است که کسی دیگر حکومت تشکیل دهد. این را ما نمی پذیریم، فقها و بزرگان هم نپذیرفته اند.

تهیه و تنظیم: زینب برزوزاده